فرازی از زندگی جهادی حاج‌محمود شهبازی در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از همرزمانش

میادین جنگ خیلی زود از وجود مهتاب خیّن محروم شد

■ علیرضا محمدی

۲۰ آذر مصادف با آغاز عملیات مطلع‌الفجر در سال ۱۳۶۰ است. در این عملیات سردار شهید محمود شهبازی به عنوان فرمانده سپاه همدان، حماسه بی‌بدیلی خلق کرد و با اعزام ۱۳۵ نفر از نیروهایش، باعث نجات حدود ۵ هزار نفر از رزمندگان خودی شد که به محاصره دشمن درآمده بودند. حاج‌محمود از سرداران کمتر شناخته شده دفاع مقدس است که حاج‌حسین همدانی پیش از شهادت بارها از وی نام برد و سعی می‌کرد او را از گمنامی خارج کند. رسیدن به ایام عملیات مطلع‌الفجر را فرصتی دانستیم تا در گفت‌وگو با سردار رضا میرزایی، گذری به زندگی جهادی این شهید والامقام داشته باشیم. بخش اول گفت‌وگو با سردار میرزایی چند روز پیش در قالب شرح عملیات مطلع‌الفجر تقدیم حضورتان شد و امروز نیز گفت‌وگو با ایشان را با محوریت شهید شهبازی پیش رو دارید.

برای اولین بار کی با شهید شهبازی آشنا شدید؟ ایشان چطور وارد جریان مبارزات انقلابی شدند؟

حاج‌محمود شهبازی بچه اصفهان بود اما چون قبل از پیروزی انقلاب به عنوان دانشجو در دانشگاه علم و صنعت (رشته مهندسی صنایع) تحصیل می‌کرد، بیشتر فعالیت‌های انقلابی‌اش را در تهران به عنوان یک فعال دانشجویی انجام می‌داد. حاج محمود از دوستان شهید بروجردی بود و از طریق ایشان به عضویت گروه توحیدی صف درآمده بود. این گروه فعالیت‌های گسترده‌ای داشت که یک بخش آن مربوط به تکثیر اعلامیه‌ها و نوارهای حضرت امام می‌شد. در واقع گروه توحیدی صف با ارتباطی که با حضرت امام داشتند، به عنوان یکی از منابع دسته اول، پیام‌های امام را دریافت می‌کردند و به دیگران می‌رساندند. شهید شهبازی در گروه صف یک نقش محوری داشت و کمک حال شهید بروجردی بود. بعد از پیروزی انقلاب، همین بچه‌های انقلابی مثل شهید بروجردی و شهید منتظری و... سپاه را تشکیل دادند و شهبازی هم از اولین نفراتی بود که به عضویت سپاه درآمد و در ستاد مرکزی سپاه مشغول شد. من هم مدتی در ستاد مرکزی سپاه بودم که همان جا با شهید شهبازی آشنا شدم.

ایشان چه سمتی در سپاه داشتند؟

شهید شهبازی مسئول دفتر هماهنگی ستاد مرکزی سپاه شد اما چون روحیات عملیاتی داشت، کارهای ستادی را برنمی‌تافت و تصمیم گرفت به پادگان عشرت‌آباد سابق (پادگان ولیعصر) برود. در پادگان ولیعصر(عج) کارهای عملیاتی انجام می‌داد. من هم به پادگان ولیعصر(عج) رفتم و آنجا با هم همکاری داشتیم.

گویا شهید شهبازی در جریان تسخیر لانه جاسوسی هم شرکت داشتند. ایشان که سپاهی بودند چطور با دانشجویان پیرو خط امام همراه شدند؟

عرض کردم که شهبازی مقارن با پیروزی انقلاب دانشجو بود و در دانشگاه‌ها فعالیت گسترده‌ای داشت. بعد از پیروزی انقلاب، هم با تشکیلات دانشجویی ارتباط داشت و هم با سپاه. در واقع سپاه را همین دانشجوها و جوان‌های انقلابی تشکیل دادند. به هر حال ایشان به عنوان یک دانشجو، نقش زیادی در تسخیر لانه جاسوسی ایفا کرد. اصلاً یک‌سری از دسیسه‌های سفارت امریکا را امثال شهبازی که دانشجو و مطلع از امور سیاسی بودند، شناسایی می‌کردند و

گزارش آن را به اطلاع حضرت امام یا مسئولان بالاتر می‌رساندند. آن زمان هر جای کشور که دچار فتنه می‌شد، رد پای امریکا و سفارتش را می‌دیدیم و نهایتاً دانشجوها تصمیم گرفتند خانه فتنه را اشغال کنند.

خیلی از آنهایی که دوستدار تاریخ دفاع مقدس هستند شهید شهبازی را با تشکیل تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله می‌شناسند، در حالی که ایشان فعالیت‌های جهادی دیگری هم داشت، حاج‌محمود در شروع دفاع مقدس چه مسئولیتی داشت؟

ایشان قبل از شروع جنگ تحمیلی همراه شهید بروجردی به غرب کشور رفت. همان طور که می‌دانید شهید بروجردی فرمانده سپاه منطقه۷ کشوری را که شامل استان‌هایی مثل کردستان، ایلام، همدان و... می‌شد، بر عهده داشت و به ناآرامی‌های غرب کشور می‌پرداخت. شهید شهبازی هم همراه ایشان بود و در کردستانات می‌جنگید. من هم که از جریان محاصره شهر سنندج با بچه‌های همدان همراه شده بودم، همان جا ماندگار شدم. جنگ تحمیلی که شروع شد، سعید طایفه‌نوروز، فرمانده سپاه همدان در اولین روز جنگ به اسارت درآمد. بعد از این اتفاق، شهید بروجردی با شناختی که از قابلیت‌های شهید شهبازی داشت، ایشان را به عنوان فرمانده سپاه همدان معرفی کرد. اوایل پذیرش ایشان از طرف بچه‌های همدان سخت بود که بعد با دیدن قابلیت‌های شهید شهبازی همه فرماندهی او را با جان و دل پذیرفتند.

حرف آنهایی که فرماندهی شهبازی را نمی‌پذیرفتند، چه بود؟

شهبازی بچه اصفهان بود و یک عده می‌گفتند چرا از خود استان همدان یک نفر را فرمانده نکردند یا عده‌ای می‌گفتند طایفه‌نوروز هنوز زنده است و وقتی که فرمانده ما زنده است چرا باید یک نفر دیگر را به عنوان فرمانده معرفی کنند. ما خبر نداشتیم که جنگ هشت سال طول می‌کشد. فکر می‌کردیم به زودی تمام می‌شود و طایفه‌نوروز هم آزاد می‌شود و به کارش برمی‌گردد. خلاصه چون کسی حاج‌محمود شهبازی را نمی‌شناخت، اوایل پذیرش او بین بچه‌ها با سختی روبه‌رو شد اما بعدها که به قابلیت‌ها و خصوصیات بارز اخلاقی او پی بردیم، همگی فرماندهی شهید شهبازی را پذیرفتیم؛ نه با اکراه بلکه با دل و جان.

خصوصیات فرماندهی شهبازی چطور بود که باعث جذب نیروها می‌شد؟

شجاعت، تدبیر و مدیریت حاج‌محمود از سنش بالاتر بود. دلسوزانه کار می‌کرد. خودم شاهد بودم که یک زیلوی دو در دو متر در اتاق فرماندهی انداخته بود و با دو، سه پتو و کمترین امکانات

> چون کسی حاج‌محمود شهبازی را نمی‌شناخت، اوایل پذیرش او بین بچه‌ها با سختی روبه‌رو شد اما بعدها که به قابلیت‌ها و خصوصیات بارز اخلاقی او پی بردیم، همگی فرماندهی شهید شهبازی را پذیرفتیم؛ نه با اکراه بلکه با دل و جان

بیشترین کارها را انجام می‌داد. شب و روز نمی‌شناخت. می‌توانم بگویم به طور تمام‌وقت کار می‌کرد و مرتب به بچه‌های سپاه سرکشی می‌کرد. در کنار دلسوزی و کار سخت و فشرده، استاد قرآن و نهج‌البلاغه هم بود. همیشه در صبحگاه تفسیر نهج‌البلاغه می‌کرد و اصرار داشت بچه‌ها هم از فرمایشات مولا علی(ع) بهره ببرند. شهبازی هرگز فرمانده ستادنشینی نبود. وقتی شدت حملات دشمن به سرپل‌ذهاب گسترش پیدا کرد، اصلاً نمی‌توانستیم ایشان را در سپاه همدان پیدا کنیم، یک‌سره در منطقه عملیاتی بود و شخصاً خطوط مقدم جبهه‌ها را مدیریت می‌کرد. خودم خیلی وقت‌ها همراه شهبازی به گشت می‌رفتم و تا عقبه دشمن نفوذ می‌کردیم.

شهید همدانی خیلی از شهید شهبازی یاد می‌کرد، گویا دوستی و الفت بسیاری بین این دو شهید بزرگوار برقرار بود.

بله همین طور است. خیلی مواقع شهید شهبازی با آنکه خودش فرمانده سپاه همدان بود، شهید همدانی را مقدم بر خودش می‌گرفت و از توانایی‌های ایشان استفاده می‌کرد. در واقع اعتماد و دوستی محکمی بین این دو شهید برقرار بود. اوایل جنگ وقتی رزمنده‌ها از شدت حملات دشمن کاستند و منطقه غرب شکل نسبتاً پایدار و ثابتی به خودش گرفت، شهید بروجردی آمد و ستاد عملیاتش را از کرمانشاه به پادگان ابوذر منتقل کرد. آن زمان خیلی از گروه‌ها به صورت خودجوش وارد عمل شده بودند و هر کدام در گوشه‌ای از جبهه خط پدافندی تشکیل داده بودند. شهید بروجردی آمد و به این خطوط رسمیت داد و گفت هر گروهی بیاید و مسئول خط یا محور خودش را معرفی کند. بچه‌های سپاه همدان در غرب سرپل‌ذهاب و ارتفاعات قراویز و ارتفاعات شهرک المهدی تا زیر دامنه بازی‌دراز مستقر شده بودند. در اینجا شهید شهبازی، سردار همدانی را به عنوان مسئول خط معرفی کرد. یا وقتی قرار شد عملیات شهیدان رجایی و باهنر با محوریت سپاه همدان انجام شود، سه محور برای این عملیات تعیین شد. فرمانده محور سمت راست حبیب‌الله مظاهری بود و فرماندهی نیروهای عمل‌کننده این جناح را بنده برعهده داشتم. فرمانده محور مقابل که باید به سمت قله حرکت می‌کرد، علیرضا حاجی‌بابایی بر عهده گرفت و فرمانده محور سمت چپ هم خود شهید شهبازی شد. ایشان فرمانده سپاه استان بود اما در این عملیات خودش به عنوان یکی از فرماندهان سه محور وارد عمل شد و گفت حاج‌حسین همدانی فرماندهی کل عملیات را بر عهده بگیرد. هرچه شهید همدانی گفت شما فرمانده سپاه هستید، شما فرماندهی عملیات را بر عهده بگیرید، ایشان قبول نکرد. عاقبت شهبازی گفت دستور می‌دهم تو فرمانده باشی و همدانی هم پذیرفت.

حاج‌محمود شهبازی و حاج‌حسین همدانی فرماندهان سپاه همدان بودند. چطور شد که با حاج‌احمد متوسلیان و حاج همت تیپ ۲۷ را تشکیل دادند؟

این موضوع ربطی به سپاه همدان نداشت. شهید شهبازی زمانی که در تهران بود با بسیاری از انقلابی‌ها و رزمنده‌های قدیمی تهران مثل شهید وزوایی و حاج‌احمد متوسلیان و... آشنایی داشت. شهبازی همزمان وقتی فرمانده سپاه همدان بود، با حاج‌احمد در کردستان ارتباط داشت. برخی مواقع بچه‌های همدان به کردستان اعزام می‌شدند و خود شهبازی هم گاهی با آنها می‌رفت و مدتی ماندگار می‌شد. در همین رفت‌وآمدها صحبت‌هایشان با حاج‌احمد و حاج‌همت برای تشکیل تیپ را انجام داده بودند. پیش از آن هم یک سفر حج با هم رفتند که در مدینه جلسات چگونگی تشکیل تیپ را برگزار کرده بودند. بعد از بازگشت از حج، پیش محسن رضایی رفتند و قضیه تشکیل تیپ را به اطلاع ایشان رساندند. آقای رضایی تعریف می‌کند وقتی می‌خواستم حکم تشکیل تیپ را بزنم، گفتم یک نفر را به عنوان فرمانده معرفی کنید. حاج‌احمد اصرار داشت حاج‌محمود فرمانده بشود و حاج‌محمود هم اصرار داشت حاج‌احمد فرماندهی را بر عهده بگیرد. نهایتاً اصرارهای حاج‌محمود جواب داد و حاج‌احمد متوسلیان فرمانده تیپ شد. حاج‌محمود جانشین شد و حاج‌همت هم به عنوان مسئول ستاد تیپ کارشان را شروع کردند.

وقتی شهبازی جانشین تیپ ۲۷ شد، فرماندهی سپاه همدان را رها کرد؟

خیر، ایشان تا لحظه شهادتش، هم فرمانده سپاه همدان بود و هم جانشین تیپ ۲۷. البته مدت زمان زیادی هم نکشید که به شهادت رسید. تیپ ۲۷ بعد از تشکیل در عملیات فتح‌المبین ورود کرد و بسیار هم موفق بود. بعد هم که بلافاصله به عملیات الی‌بیت‌المقدس ورود کرد و روز دوم خرداد ۱۳۶۱ در دروازه ورودی خرمشهر حاج‌محمود شهبازی به شهادت رسید. ایشان در محلی به نام نهر خیّن شهید شد و حاج‌حسین همدانی هم کتاب خاطراتش را به همین خاطر مهتاب خیّن نامگذاری کرد. مهتاب خیّن فرماندهی دلیر بود که خیلی زود از صحنه جنگ کنار رفت و از همین رو کمتر شناخته شده است.

سردار سعید قاسمی، شهید شهبازی و شهید همت

یادکرد

۲۰ آذر سالروز شهادت غلامعلی پیچک

فرمانده محبوب غرب کشور در دشوارترین روزها مخلصانه خدمت کرد

■ آرمان شریف

۲۰ آذر سالروز شهادت سردار شهید غلامعلی پیچک است. شهیدی که آوازه‌اش در غرب کشور پیچیده بود. اگر کسی در هر کوی و برزن سراغی از او می‌گرفت، چندین نفر بودند تا از غلامعلی پیچک بگویند. فرمانده‌ای جسور و شجاع که شرح دلاوری‌هایش در عملیات‌های غرب کشور دهان به دهان پیچیده بود و هیبت یک فرمانده مقتدر را در ذهن تداعی می‌کرد. شهید پیچک کسی است که مقام معظم رهبری درباره ایشان چنین می‌فرمایند: «درود خدا و فرشتگان و صالحان بر سردار شجاع و صمیمی و فداکار اسلام غلامعلی پیچک. شهیدی که در دشوارترین روزها مخلصانه‌ترین اقدام‌ها را برای پیروزی در نبرد تحمیلی انجام داد. یادش به‌خیر و روحش شاد.»

قبل از آنکه صدام در شیپور یک جنگ تمام‌عیار بدمد و به خاک کشورمان تجاوز کند، شهید پیچک تجربه حضور در کردستان و مبارزه با ضدانقلاب را داشت. با شروع غائله کردستان از طریق لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) به آنجا رفت و فرماندهی منطقه را پذیرفت. در پاکسازی شهر سنندج و شکستن محاصره باشگاه افسران نقش عمده‌ای ایفا کرد. پس از آن به بانه رفت و محاصره آنجا را نیز به یاری رزمندگان اسلام شکست. او از همان جا توانایی و استعدادش را به فرماندهان نشان داد و آنها را مجاب کرد در آینده می‌توانند از وجودش استفاده کنند. غلامعلی در کردستان درس‌هایش را پس داد و در دفاع مقدس به دنبال خلق کارهای بزرگ‌تر بود.

توانمندی نظامی و قامت رشید پیچک از او شخصیتی دوست‌داشتنی و در عین حال پر از ابهت ساخت. نام عملیات بازی‌دراز در پرونده جهادی شهید پیچک برجستگی خاصی دارد. محمدابراهیم موحد از همرزمان شهید درباره این عملیات می‌گوید: «شهید پیچک به عنوان مسئول عملیات غرب، فرماندهی عملیات بازی‌دراز را هم برعهده گرفت. بنده فرمانده میدانی بودم و شهید موحددانش پیش خودم بود. شهید وزوایی هم فرمانده گردان ۹ سپاه تهران بود. از بچه‌های ارتش هم شهید شیرودی و شهید محمود غفاری که روحانی بود و مدتی در عقیدتی- سیاسی ارتش خدمت می‌کرد و بعد دوره دیده‌بانی توپخانه دید، حضور داشتند. سرهنگ بدری هم فرمانده تیپ ارتش حاضر در عملیات بود. در بازی‌دراز شهید پیچک با قدرت جذبی که داشت، گلچینی از نیروهای خوب و زبده سپاه و ارتش را دور هم جمع کرد. شناسایی‌های خوبی هم انجام گرفت. در این عملیات طوری دشمن را غافلگیر کردیم که حدود ۱۲۰ نفر از عراقی‌ها در ساعات اولیه عملیات به اسارت درآمدند. خیلی از اسرا در خواب اسیر شدند.»

منطقه عملیاتی مطلع‌الفجر در غرب کشور، آخرین جایی است که شهید پیچک پایش را در آن گذاشت. او در عملیات مطلع‌الفجر به عنوان نیروی بسیجی در نوک پیکان گردان

> غلامعلی پیچک در نوک پیکان گردان وارد نبرد علیه دشمن شد و در منطقه قاسم‌آباد واقع در ارتفاعات بر آفتاب با نیروهای دشمن تن به تن درگیر شد و نزدیک ظهر روز بیستم آذر ۱۳۶۰ بر اثر اصابت گلوله به گلو و سینه‌اش به درجه رفیع شهادت نائل آمد

وارد نبرد علیه دشمن شد. هرچند مسئولیتی نداشت اما به شهید بروجردی گفته بود هر کاری از دستم برمی‌آید انجام می‌دهم و به خواست خودش هم قرار شد به ارتفاعات «برآفتاب» که سخت‌ترین منطقه عملیاتی بود برود. قبل از حرکت، وقتی خواستند در گوشش «فَالله خیر حافظاً وَ هُوَ اَرحَمُ الرّاحمین» بخوانند، گفت در گوش من نخوانید. می‌گفت باید برای من طلب شهادت کنید این راهی که من می‌روم بازگشت ندارد. در نیمه‌های شب، حدود ساعت دو یا سه صبح این حرف‌ها را به همرزمانش زد.

روز عملیات، در حالی که هنوز زمان زیادی از شروع عملیات نگذشته بود، در نوک پیکان گردان وارد نبرد علیه دشمن شد و در منطقه قاسم‌آباد واقع در ارتفاعات برآفتاب با نیروهای دشمن تن به تن درگیر شد. نزدیک ظهر روز بیستم آذر ۱۳۶۰ بر اثر اصابت گلوله به گلو و سینه‌اش در سن ۲۲سالگی به درجه رفیع شهادت نائل آمد. او به آنچه آرزو کرده بود، رسید. چون شهید پیچک در منطقه صعب‌العبور و خطرناکی به شهادت رسیده بود، آوردن پیکرش به سختی صورت گرفت. در نهایت پیکرش را آوردند و در تهران تشییع کردند و در قطعه ۲۴ بهشت‌زهرا(س) به خاک سپردند.

شهید پیچک در چند سطری که در وصیتنامه‌اش می‌نویسد پیام محکمی را به دشمنان می‌دهد و به زیبایی می‌نویسد: «جنازه مرا روی مین‌ها بیندازید تا منافقین فکر نکنند ما در راه خدا از جنازه‌مان دریغ داریم. به دامادی دوماهه من نگرید، دامادی بزرگی در پیش داریم.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۸۱۴

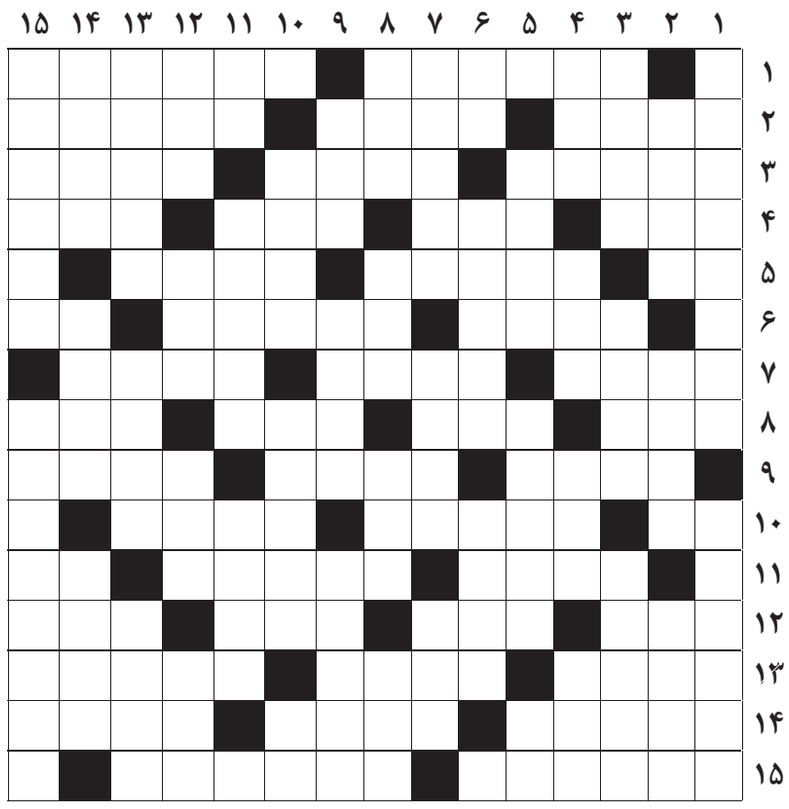

از راست به چپ

■ ۱- زادگاه ابن‌سینا- خدمت وظیفه ■ ۲- بسیار شکرکننده- کاغذ نقشه‌کشی- پایتخت لسوتو ■ ۳- شهری در فلسطین اشغالی- خانه آذری- از فرشتگان شب اول قبر ■ ۴- برکت سفره- جایزه انگلیسی- دارایی- ضمیر مخاطب زبان عربی ■ ۵- خیس- دستار- درنا ■ ۶- اطلاعات رایانه- تحریر- چله کمان ■ ۷- بخشنده- دورویی- جانوری که در آب زندگی می‌کند ■ ۸- آتش- مهاجم رئال مادرید- دستور- از نزولات ■ ۹- چکامه سرا- قرمز بین صورتی و نارنجی- همسایه ■ ۱۰- ناپیدا- بنفش کمرنگ- جا ■ ۱۱- نویسنده گرشاسب نامه- طیران- بالابر ماشین ■ ۱۲- نیزه- نژاد قشقایی- آفت سخاوت- ترش و شیرین ■ ۱۳- یاری کننده- کشور کاسه شکر- استخوانی در گوش ■ ۱۴- پشت سر هم- احساسی در پوست- شهری نزدیک تبریز ■ ۱۵- عامل اصلی سوءتغذیه- نوعی هواپیمای غول‌پیکر

از بالا به پایین

■ ۱- نمونه رایگان کالا- سنگ خارا ■ ۲- بسیار حمله کننده- نام جد پیامبر اسلام- مقیم ■ ۳- منطقه‌ای در شمال تهران- همراه سارا- چسباندن ■ ۴- شادمانی- میوه قانون جاذبه- شبگرد- جاده آهن ■ ۵- اپرای سبک- سرما- ویتامین جدولی ■ ۶- کالای نو- مرد خداشناس- محل مخصوصی که در آن بازی با حیوانات نمایش داده می‌شود ■ ۷- شهر عبا- همراه بهمان- متضاد کاخ ■ ۸- میوه باب گلو- قله زاگرس- ماشین صحرا- پول زور ■ ۹- نخودی رنگ- متانت- پی در پی ■ ۱۰- درخشش- بوزینه- نیمه تاریک زمین ■ ۱۱- شهر بی دفاع- بخت‌آزمایی- موکت‌بر ■ ۱۲- پسوند نگهدارنده- جزیره دوگانه- موسیقی سیاهان- درخت کریسمس ■ ۱۳- جایزه سینمایی- خوار- بهترین جایگزین برای کسانی که به مصر شیر حساسیت دارند ■ ۱۴- طلایی- برای اینکه- تیره‌ای از گیاهان ساده آبزی ■ ۱۵- چهار نعل- دسته‌ای از اعضای یک حزب

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۶			۹		
	۸		۲			۳		
	۷	۱						۶
۹					۵		۶	
		۸					۹	
۲					۳			
				۸		۷		۲
	۳	۴						
	۹			۱				۸

پاسخ جدول شماره ۵۸۱۳

۷	۲	۶	۴	۱	۹	۴	۶	۸
۶	۱	۹	۴	۶	۸	۴	۲	۷
۴	۴	۸	۶	۷	۲	۶	۹	۱
۴	۹	۷	۲	۶	۱	۸	۶	۴
۲	۶	۴	۷	۸	۴	۷	۱	۹
۸	۶	۱	۹	۴	۷	۲	۴	۶
۶	۴	۴	۷	۹	۶	۱	۸	۲
۹	۸	۲	۱	۴	۴	۶	۷	۶
۱	۷	۶	۸	۲	۶	۹	۴	۴

جدول کلمات متقاطع
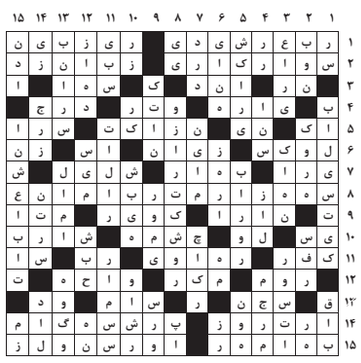
پاسخ جدول شماره ۵۸۱۳